

تبیین رسالت دانشگاهها در توسعه فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

سیاوش پورطهماسبی^۱، آذر تاجور^۲

چکیده

امروزه دانشگاهها جایگاه خاص خود را در جامعه داشته و دانشجویان به عنوان افراد تحصیلکرده و فهیم می‌توانند در روند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه نقش مثبت ایفا نمایند. از طرفی استکبار جهانی و مدعیان آنها همیشه در فکر این مسئله بوده‌اند که فعالیت آموزشی و تربیتی دانشگاهها را از مسیر الهی و مقدس خود خارج نمایند که می‌تواند دانشگاهیان مثل همیشه با توجه به رهنمودهای اسلامی و علوی در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تلاش نمایند و با حفظ و پاسداری از هویت اسلامی خود با تلاش و با تحقیق و پژوهش موجبات رشد و تعالی جامعه را فراهم آورند. فراهم شدن زمینه‌های «نظارت همگانی» بر گفتار و رفتار دانشگاهیان به انجام فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» ضامن سلامت و دوام نظام اسلامی و راه گشای خدمت به مردم، وظیفه شناسی، کارآمدی و پویایی آنان است و راه را بر سلطه سودجویان و نفوذ دشمنان و فساد کارگزاران حکومت می‌بندد و زمینه ایجاد هر گونه انحرافی را محدود و کنترل می‌کند. و راهکارهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها همچون 1. اعتلای سطح بینش اجتماعی دانشجویان 2. افزایش قدرت وجدان اجتماعی دانشجویان 3. ایجاد بسترهای اجتماعی مناسب برای الگوپذیری نسل جوان 4. رعایت موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی 5. استفاده صحیح از ابزارها و کیفیت بخشی نقش رسانه‌های تبلیغی 6. شیوه شناسی و روش‌های تبلیغی مؤثر 7. اصلاح ساختارها و راه‌کارهای ایجابی و سلبی می‌باشد.

آسیب‌ها: 1. خطر عوامزدگی 2. ظاهرگرایی 3. سیاسی شدن 4. احتمال فساد مالی 5. افراط و تفریط و... مورد بررسی شده واقع شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و وجوب، آسیب‌ها، راهکارها.

مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشتش با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می‌زند، هم به خود او باز می‌گردد و هم جامعه را متأثر می‌کند؛ علاوه بر این، اعمال دیگران نیز در زندگی انسان خالی از تاثیر نیست. از این رو، همان گونه که انسان در قبال اعمال و رفتار خود مسؤ و لیت دارد، در برابر عملکرد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز مسؤ و ل است. در بینش اسلامی، یک فرد مسلمان باید پابای اصلاح نفس خود، در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی‌توجهی نسبت به اعمال و سرنوشت دیگران، در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است و اگر

^۱- مدرس دانشگاه پیام نور مرکز بيله سوار

^۲- دبیر آموزش و پرورش

فساد، گناه، فحشا، منکر و انحراف در جامعه شیوع یابد، آثار نامطلوب آن، دامنگیر همه افراد خواهد شد و حتی کسانی که از لحاظ فردی سالم و بیگناه هستند نیز در آتش آن خواهند سوخت.

هدف از خلقت رسیدن به کمال و سعادت و رسیدن به لقای خالق هستی است. اما این بدین معنا نیست که خداوند سبحان رفع موانع و هموار ساختن راه بندگان به سوی او را وظیفه سالکان طریق حق برنشمارد. این جاست که در لغت‌نامه هدف خلقت راه «با امر» و «بیراهه» با «نهی» شناخته می‌شود؛ چرا که این دو واژه مقدس هم بشریت را به بهشت‌ترین رهنمن می‌سازد و هم زمین را به بهشت تبدیل می‌نماید.

با نگاه به سوره مبارکه والعصر می‌توان دریافت که؛ بر خلاف گمان انسان که خیال می‌کند هر روز به عمرش افزوده می‌شود، هر روز که می‌گذرد از سرمایه او کاسته می‌شود؛ پدر بزرگ‌ها در حقیقت «پدر کوچک» هستند و نوزادها که عمری در پیش دارند، بیشترین سرمایه‌ها را دارا می‌باشند. به زمان سوگند که انسان همچون یخ هر لحظه در حال آب شدن است «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» پس در برابر به هدر رفتن عمر باید چیزی بهتر از عمر به دست آوریم. مال و مقام و مدال بهتر از عمر نیست. آنچه بهتر از عمر ماست، ایمان و عمل صالح است «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». ایمان و کار نیک اگر توسعه پیدا نکند، ارزشی نخواهد داشت. بنابراین، باید دیگران را نیز به ایمان و عمل صالح سفارش و دعوت کنیم «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ»؛ البته پیمودن این راه، مشکلاتی در بر خواهد داشت؛ یعنی اگر بخواهیم مردم را به خیر و معروف دعوت کنیم و از مفساد و انحرافات که دارند، باز داریم، احتمال دارد که برخورد‌های ناگواری پیش آید؛ ولی به هر حال باید با پشتکار این راه را بپیماییم «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ».

گرچه «معروف» حق است و ماندگار و «منکر» باطل است و گذرا، اما گاهی زرق و برق منکر، فلسفه وجودی خلقت را به بیراهه می‌کشاند که معروف اندیشی و معروف زیستن در هیاهوی روزگار گم می‌شود؛ پس به جاست که آن را با همت‌خویش به عنوان اصلی از اصول احیا نماییم.

ما همواره در زندگی بزرگان دین و طریقت، پیکار با منکر و احیای معروف را مشاهده می‌کنیم و اینها الگوها و اسوه‌های زندگی ما هستند. آیت‌الله طالقان رحمه الله در این باره می‌گوید: از نظر قرآن مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مسؤولیت عمومی است؛ یعنی هر فردی نسبت به فرد دیگر، هر طبقه‌ای نسبت به طبقه دیگر و حکومت این وظیفه را نسبت به مردم و مردم نسبت به حکومت این وظیفه را به عهده دارند که مراقب هم باشند و از انحراف و اعمال بد چه فردی و چه اجتماعی از فحشا و فساد و فسق و فجور و هم انحرافات سیاسی جلوگیری کنند و راه خیر و سعادت و تقوا را به هم بشناسانند و مزار کارهای انحرافی و منکر را بفهمانند، البته یک حکومت اسلامی غیر از مسؤولیت تبیینی، مسؤولیت اجرایی هم خواهد داشت، و حقیقت جهاد اسلامی هم یک نوع مسلحانه امر به معروف و نهی از منکر است.

امر به معروف و نهی از منکر:

تعریف و برداشتی که از امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، بر حسب نوع معنایی که از واژه «معروف» و «منکر»

اراده می‌شود و نیز بر حسب تفسیری که از امر و نهی و مصادیق و مراتب آن می‌شود و بالاخره بر حسب مرجع اعمال کننده آن یعنی آمر و ناهی، متفاوت می‌باشد.

معنای معروف و منکر:

الف - در لغت: (معروف) از ماده (عرف) به معنای شناخته و نیک و (منکر) از ماده (انکار) و (نکر) به معنای ناشناخته، زشت و پلید است. در تبیین معنای معروف و منکر اقوال گوناگونی ارایه شده است؛ برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می‌دانند؛ (تفتازانی، بی‌تا، ج 2: 580) و برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده‌اند؛ (فاضل مقداد، 1368: 57 و 58). علاوه بر این، در تبیین مفهوم این دو واژه مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است؛ (راغب اصفهانی، 1404 ق: 331). مرحوم علامه طباطبایی معروف را به معنای آن چه که با ذایقه افراد یک جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد دانسته و می‌گوید: «فالمعروف يتضمن هداية العقل و حكم الشرع و فضيلته الخلق الحسن و سنن الادب»؛ (طباطبایی، ج 2: 236)؛ در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد.

ب - در اصطلاح: (معروف) نام هر کاری است که حسن آن توسط عقل یا شرع شناخته شود و (منکر) به کاری گفته می‌شود که شرع یا عقل آن را ناپسند بشمرد. اسلام کارهای خوب را شناخته شده و کارهای بد را ناشناخته معرفی می‌کند، زیرا فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با گروه دوم بیگانه است. علاوه بر آنچه از برخی کتب فقهی می‌توان به دست آورد، این است که: (معروف) به کاری گفته می‌شود که علاوه بر نیک بودن، انجام دهنده اش نیز آن را به وصف (نیکی) بشناسد، یا توسط دیگری به نیک بودن آن پی‌برد و (منکر) نیز کاری است که علاوه بر بد بودن، صاحبش نیز آن را بد بداند و یا توسط دیگری به بد بودن آن واقف شود.

دانشگاه و امر به معروف و نهی از منکر:

رکن اساسی ترقی و تعالی یک فرهنگ، کشور و ملت، نسل‌های حاضر و آینده، و یا واپسگرایی و عقب ماندگی آن، دانشگاه است؛ زیرا فرهنگ یک جامعه وابسته به علوم و معارفی است که در آن جامعه دارای ارزش بوده و ترسیم کننده آداب و رسوم آن جامعه است که در دانشگاه تدریس می‌شود. مانند: «فلسفه و معرفت شناسی» که مایه ادراک صحیح و جهت دهنده ارزش‌های فکری و اعتقادی و دفاع از آن و خط دهنده اصلی فرهنگ و به منزله مغز یک فرهنگ است. تاریخ علم نیز مایه استفاده از تجربیات اقوام گذشته و عبور از فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیشین به یک تمدن صحیح و دست‌یابی به سعادت است. «ادبیات»، عامل زنده نگه داشتن فرهنگ یک جامعه است. «مدیریت»، «سیاست» و «اقتصاد» نیز هر کدام ارائه دهنده روش‌های نوین کشور داری و اداره اجتماعات بشری هستند که به منزله ستون فقرات یک فرهنگ می‌باشند. «علوم تجربی، ریاضی، پزشکی و روان‌شناسی» مایه پیشرفت علوم، صنایع، رفاه و آسایش جامعه و حفظ تعادل جسمی و روانی نیروهای انسانی یک جامعه است. همه این علوم و فنون در دانشگاه به مرحله رشد و شکوفایی می‌رسد.

ناگفته پیدا است که محدوده تأثیر دانشگاه در مسیر سعادت و راه راست یا در مسیر شقاوت و انحراف همه «قلمرو فرهنگ، ملت، کشور و جامعه است». بنابراین، درمی‌یابیم که اگر دانشگاه از مسیر اصلی خود منحرف شود به تبع آن فرهنگ، ملت و کشور به انحراف کشیده خواهد شد. لذا، حضرت امام در سراسر صحیفه شریفه نور در بیشتر از 300 مورد، درباره دانشگاه تذکر داده و کراراً آن را از خطر انحراف، برحذر داشته‌اند و علل انحراف آن را بررسی کرده و راهکارهای عملی برای پیش‌گیری و به سامان آوردن آن را ارائه فرموده‌اند که در جای خود خواهد آمد. امام راحل (رحمه الله) دانشگاه را مایه سعادت و یا شقاوت، ترقی و یا انحطاط و تعیین کننده سرنوشت مملکت دانسته و می‌فرماید: «دانشگاه مرکز سعادت، در مقابل، شقاوت یک ملت است، از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود. . . دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد یک ملت را به عقب می‌زند»¹؛ «ترقی یک مملکت به دانشگاه است»²؛ «مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آن‌هایی که از دانشگاه بیرون می‌آیند هست، بنابراین دانشگاه بهترین و بزرگ‌ترین مؤسسه مؤثر است در کشور و بزرگ‌ترین مسؤولیت‌ها را هم دانشگاه دارد»³؛ «از فرهنگ است که در وزارتخانه‌ها می‌رود از فرهنگ است که در مجلس می‌رود از فرهنگ است که کارمند درست می‌شود»⁴؛ «دانشگاه است که تربیت نسل آینده و حاضر را می‌کند.»⁵

مفهوم شناسی امر به معروف و نهی از منکر:

معنای امر و نهی: گر چه در لغت، امر به معنای واداشتن و نهی به معنای بازداشتن است که در آن نوعی استعلا می‌آید و ناهی وجود دارد اما تبیین مفهومی این دو واژه در مبحث امر به معروف و نهی از منکر با مراتب آن پیوند خورده است و از این رو معناهای جدیدی از این دو اراده شده است. معمولاً سه مرتبه قلبی، لسانی و یدی برای امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌شود. برخی مرتبه قبلی را از لوازم ایمان دانسته‌اند؛ (نوری، 1375، ج 12: 283)، که قابل امر و نهی نیست؛ از این رو، غالباً آن را به اظهار این مرتبه در رخسار و چهره آدمی تفسیر کرده‌اند. در مرتبه لسانی، نیز صرف «دستور دادن» به انجام کاری یا «باز داشتن» از انجام کاری، تفسیر امر یا نهی دانسته نشده است، بلکه به نصیحت کردن، تشویق کردن و اموری از این دست نیز معنا شده است. در مرتبه یدی نیز آن چه متأسفانه به صورت یک برداشت عمومی درآمده است، تفسیر «ید» به «ضرب و جرح و حتی قتل» است، در حالی که در کلمات برخی از فقها «ید» تنها محدود به این موارد نبوده و کنایه از قدرت تلقی شده که دامنه رفتاری بسیار گسترده‌ای هم چون به ازدواج درآوردن جوانان عزب، ساختن مدارس و دیگر مکان‌های مورد نیاز، چاپ و نشر کتاب‌های سودمند، ایجاد اشتغال و . . . را شامل می‌شود؛ (همان: 295 و 296). بدیهی است نوع برداشتی که از امر و نهی در هر یک از مراتب آن می‌شود و نیز جواز یا عدم جواز اعمال هر یک از آن مراتب، نقش و کارایی این آموزه را در سیاست جنایی اسلام تحت الشعاع قرار می‌دهد.

مرجع امر و نهی کننده (امر و ناهی): نوع مرجع یا مراجعی که عهده‌دار انجام امر به معروف و نهی از منکر هستند، به لحاظ نوع رفتارهایی که باید انجام دهند، نیز در تفسیر مفهومی این آموزه مؤثر است. از این رو، در میان اقوال و آرای موجود می‌توان دست کم از دو نوع برداشت سخن گفت:

در برداشت نخست، امر به معروف و نهی از منکر، کلیه تدابیر مردمی، حکومتی (قوه مجریه) و قضایی را شامل می‌شود. در این برداشت که موسع‌ترین برداشت از امر به معروف و نهی از منکر است، عمل به هر یک از قوانین و

تکالیف شرعی و از جمله قوانین جزایی مصداقی از عمل به این آموزه به حساب می‌آید. از این نظر می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را عنوانی برای عمل به همه احکام و قوانین، توصیه‌ها و نصیحت‌های اخلاقی دانست، حتی نوع رفتار یک عالم دینی نیز به لحاظ آن که الگویی رفتاری برای دیگران است امر به معروف و نهی از منکر و بلکه مصداق بارز آن به حساب می‌آید.

در برداشت دوم، از سویی اجرای قوانین جزایی توسط قاضی (قوه قضاییه) از معنای این آموزه جدا شده و از سوی دیگر از عمل «قوه مجریه» به مفاد این آموزه با اصطلاح خاص «حسبه» یاد شده است؛ به طور طبیعی آن چه زیر عنوان امر به معروف و نهی از منکر باقی می‌ماند ناظر به تکالیف شهروندان جامعه اسلامی است. به تعبیری می‌توان از دو نوع امر به معروف سخن گفت: دولتی و غیر دولتی. حسبه یا احتساب شکلی از دخالت مستقیم دولت در کنترل رفتارها و پاسخ‌دهی به نقض هنجارها است که عمل دولت به تکالیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود (حسینی، 1380: 64)؛ چنان که ابن‌خلدون می‌نویسد: «حسبه وظیفه دینی است از باب امر به معروف و نهی از منکر که بر متولی امور مسلمین فرض است، او شخص شایسته‌ای را برای انجام این وظیفه می‌گمارد و انجام این تکلیف وظیفه است»؛ (همان: ص 65).

اما آن چه در این بحث مد نظر است امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه شهروندان جامعه اسلامی است که به روش‌های مختلف قلبی (چهره‌ای)، لسانی (گفتاری) و یدی (عملی)، حکومت را در ترویج معروف‌ها و بازداشتن و ممانعت از منکرات کمک می‌کنند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر:

انسان موجودی اجتماعی است و سرنوشتش با سرنوشت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ارتباط دارد. سود و زیان کارهایی که از انسان سر می‌زند، هم به خود او باز می‌گردد و هم جامعه را متأثر می‌کند؛ علاوه بر این، اعمال دیگران نیز در زندگی انسان خالی از تاثیر نیست. از این رو، همان گونه که انسان در قبال اعمال و رفتار خود مسؤ و لیت دارد، در برابر عملکرد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز مسؤ و ل است. در بینش اسلامی، یک فرد مسلمان باید پاب پای اصلاح نفس خود، در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد. بی توجهی نسبت به اعمال و سرنوشت دیگران، در واقع بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است و اگر فساد، گناه، فحشا، منکر و انحراف در جامعه شیوع یابد، آثار نامطلوب آن، دامنگیر همه افراد خواهد شد و حتی کسانی که از لحاظ فردی سالم و بیگناه هستند نیز در آتش آن خواهند سوخت (رضایی راد، عبدالحسین و محمد تقی قبولی درخشان، 1384).

رسول خدا (ص)، در تبیین این رسالت همگانی می‌فرماید: (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ) همه شما(به منزله) چوپانید و همه شما در برابر رعیت خود، مسؤ و لید. اسلام از پیروان خود می‌خواهد که خود را در برابر جامعه متعهد بدانند و در صورت مشاهده ستم و گناه سکوت نکنند. بلکه همواره دیگران را به خوبی‌ها امر کنند و از بدی‌ها باز دارند. تأکیدهای مکرر قرآن کریم، در خصوص امر به معروف و نهی از منکر بیانگر اهمیت است که اسلام برای سالم سازی محیط اجتماع و مبارزه با عوامل فساد و گناه قائل است.

از دیدگاه اسلام، دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از چنان ضرورت و اهمیتی برخوردارند که هیچ کار خوبی نمی تواند با آن برابری کند و امت اسلامی، مادامی بهترین امت هاست که به این دو فریضه عمل کند. قرآن کریم در این باره می فرماید: (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاءَمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ) شما بهترین امتی بودید که پدید آمدید. از این جهت که - امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

نکته جالب توجه اینکه در آیه شریفه، امر به معروف و نهی از منکر در کنار ایمان به خدا قرار گرفته و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی و بیانگر این است که این دو واجب، ضامن گسترش ایمان در میان جامعه بشری است و چنانچه این دو فریضه اجرا نشوند، ریشه ایمان در دل ها سست می گردد و پایه های آن فرو می ریزد.

اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشبرد اهداف تربیتی اسلام باندازه ای است که قرآن کریم آن دو را از مهم ترین آرمان های تشکیل دهندگان حکومت اسلامی معرفی کرده، می فرماید: (الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) همان کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.

امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین برنامه هایی است که خداوند انجام آن را از پیامبرانش خواسته است و کسی که به انجام این برنامه های الهی همت گمارد در واقع همگام با انبیای الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به تعبیر رسول خدا (ص)، خلیفه خدا و رسولش خواهد شد: (مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ) کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین رسول خداست (ابویی مهریزی، 1386).

حضرت علی (ع) نیز امر به معروف و نهی از منکر را از همه نیکی ها حتی از جهاد، به مراتب برتر و مهم تر شمرده، می فرماید: (وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ الْجَبِّي) تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، جز به قطره ای در برابر دریای بی کران نمی مانند.

شاید سر برتری امر به معروف و نهی از منکر بر سایر عبادات و نیکی ها در این باشد که قوام واستواری واستمرار همه خوبی ها در گرو برپایی این دو فریضه بزرگ است. علاوه بر اینکه (جهاد)، مبارزه با مفاسد و موانع خارجی است، فرد و جامعه وقتی می تواند در نبرد با دشمن خارجی به موفقیت نایل شود که موانع و مفاسد داخلی را در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ریشه کن کرده باشد.

ارکان و شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

امر به واجب، واجب است و امر به مستحب، مستحب است و نهی از حرام، واجب ولی این وجوب و استحباب مخصوص گروه خاصی است و آن طور که غزالی تصور کرده، شامل یکایک مردم نمی شود بلکه با چهار شرط بر فرد ثابت می گردد.

1- علم به واجب یا مستحب و یا حرام بودن امور، یعنی شناخت معروف یا منکر، به دور از شبهه بنابراین در امور متشابه امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

2- احتمال تاءثیر بنابراین اگر بداند یا احتمال بدهد که اقدامش تاءثیر ندارد، واجب و مستحب نیست، چون بی فایده است.

3- شخص مخاطب امر به معروف و نهی از منکر، بر ادامه عمل خود اصرار داشته باشد اما اگر نشانه ای باشد که آن کار را ترک کرده است، تکلیف ساقط می شود، چون دیگر امر به معروف و نهی از منکر بیهوده نیست.

4- مفسده ای در پی نداشته باشد، اما اگر احتمال ضرر برای خود یا فردی از مسلمانان را بدهد، تکلیف ساقط می شود؛ زیرا ضرر و اضرار در دین روا نیست. البته جست و جو جایز نیست، مانند گوش دادن برای شنیدن صدا و بو کشیدن و بررسی زیر لباس اشخاص و نظیر اینها. و هرگاه این شرایط جمع شد و شخص مطلع تنها بود امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب عینی می شود ولی اگر دو تن بودند و یکی امر یا نهی را آغاز کرد آن دیگری اگر گمان برد که همکاری او تاءثیری در زود به نتیجه رسیدن و نفوذ انزجار دارد بر او نیز واجب است اگر نه واجب نیست؛ زیرا هدف به جای آوردن معروف و ترک منکر است. پس هرگاه آن دو با عمل یک فرد حاصل گردد تلاش دیگری بیهوده خواهد بود. و این است معنای قول کسانی که گفته اند: امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است ولی کسانی که می گویند این فریضه واجب عینی است آن کسی را در نظر دارند که واجد تمام شرایط باشد، بنابراین مورد اختلاف تنها این است که با اقدام بی اثر اشخاص، تکلیف امر به معروف و نهی از منکر از افراد جامع شرایط ساقط است یا نه؟ از مولایمان امام صادق علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر سؤال شد، آیا بر تمام امت واجب است یا نه؟ فرمود: نه. پرسیدند: چرا واجب نیست؟ فرمود: این کار بر عهده شخص نیرومندی است که فرمانش را ببرند و معروف را از منکر باز شناسد، نه بر کسانی که ناتوانند و خود هدایت نیافته اند و از روی ناآگاهی دیگران را از حق به سوی باطل می خوانند. و دلیل بر این مطلب سخن خدای تعالی است: ((ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر.)) (آل عمران / 104): باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند و آنها رستگارانند. این موضوع خاص است نه عام، چنان که خدای تعالی فرموده است: ((و من قوم موسى امة يهدون بالحق و يعدلون)) (اعراف / 159): و از قوم موسی گروهی به سوی حق هدایت می کنند و حاکم بهحق و عدالتند. و نفرمود امت موسی یا تمام قوم موسی در حالی که ایشان در آن روز امتهای مختلفی بودند. امت شامل یک فرد و بیشتر است. و همچنین خدای تعالی فرموده است: ((ان ابراهيم كان امة قانتا لله.)) (نحل / 121: همانا ابراهیم (به تنهایی) یک امت بود، مطیع فرمان خدا. می فرماید: ((ابراهیم مطیع فرمان خدا بود. اما بر شخص ناآگاهی که در ناتوانی بسر می برد و نیرو و پشتیبان و فرمانبری ندارد، حرجی نیست.)) (3کافی، ج 5، ص 60 - 59).

آنگاه درباره معنای این حدیث نبوی از آن حضرت پرسیدند: بالاترین جهاد، سخن عادلانه ای است که در حضور رهبر ظالمی ابراز شود. فرمود: این مطلب بر آن اساس است که شخص پس از شناخت واقع او را امر می کند و او

می پذیرد. (کافی، ج 5، ص 60-59). کلام امام علیه السلام اشاره است به این که وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و بر کسی که آنها را نداشته باشد واجب نیست، در این حدیث سه شرط از شرایط را بیان کرده ولی اصرار بر منکر را شاید برای وضوح آن نگفته است.

در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است: ((فقط و فقط مؤمن از امر به معروف و نهی از منکر پند می گیرد و جاهل از آن می آموزد ولی صاحب تازیانه و شمشیر، هرگز.)) (همان ماءخذ (باب انکار المنکر بالقلب، ص 60). از آن حضرت نقل شده است که فرمود: ((سزاوار نیست برای مؤمن که خودش را خوار سازد. پرسیدند:

چگونه خود را خوار می کند؟ فرمود: دست به کاری می زند که از توان او بیرون است (همان ماءخذ، ص 69).

در حدیث آمده است: ((پایین ترین درجه نهی از منکر آن است که با معصیت کاران با چهره درهم کشیده برخورد شود.)) (این حدیث را شیخ در تهذیب، ج 2، ص 57 از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است.)

در حدیث دیگری آمده است: ((همین قدر در عزت مؤمن بس که هرگاه منکری را ببیند خداوند بداند که او در دل ناراضی است.)) (کافی، ج 5، باب انکار المنکر بالقلب ص 60).

در ((مصباح الشریعه)) از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: ((هر کس از هوای نفس خود، دوری نکند و از آفات و شهوات نفسانی خلاص نشود و شیطان را مغلوب نسازد و خود را در حمایت خدا و توحید قرار

ندهد و در امان عصمت او نباشد، شایستگی امر به معروف و نهی از منکر را ندارد؛ زیرا تا کسی دارای این اوصاف نباشد، هر امری را اظهار بدارد، حجتی در مقابل او خواهد بود و مردم سودی از آن نخواهند برد. خدای عزوجل

فرماید: ((اءتامرون الناس و تنسون انفسکم؟)) بقره / 44: آیا مردم را به نیکی دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می کنید. و به او گفته می شود: ای خیانتکار! آیا از مردم چیزی را می خواهی که خود به خویشتن در آن

باره خیانت کرده ای و نسبت به آن افسار گسیخته ای؟ نقل شده است که ابو ثعلبه اسدی از رسول خدا صلی الله علیه و اله راجع به این آیه پرسید: ((یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لایضركم من ضل اذا اهدیتکم)) مائده / 105:

ای کسانی که ایمان آورده اید مراقب خود باشید هنگامی که شما هدایت یافید گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زبانی نمی رساند. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: ((امر به معروف و نهی از منکر کن و بر مصیبتی که بر

تو وارد شود، صبر کن. و هنگامی که ببینی مردم از حرص و آزمندی اطاعت می کنند و هوای نفس را می پرستند و هر کس خود رایی و خود بین است، تو به فکر خود باش و کار مردم را رها کن.

کسی که امر به معروف می کند لازم است که حلال و حرام را بشناسد و خود را از آنچه به مردم امر و نهی می کند فارغ کرده باشد، خیرخواه مردم و مهربان و همراه با مردم باشد. با لطف و بیان خویش آنها را دعوت کند، و با

تفاوت میزان حوصله آنها آشنا باشد تا هر کس را در جایگاه خودش قرار دهد. مکر و فریب نفس و دامهای شیطان را بشناسد و در برابر آنچه می بیند شکیبیا باشد، با مردم مقابله به مثل نکند و از ایشان شکوه ننماید. تعصب

نورزد و به خاطر خوش درستی نکند. نیتش خالص برای خدا باشد. از او یاری بطلبد و رضای او را بجوید، پس اگر با او مخالفت کردند و به او ستم روا داشتند، تحمل کند و اگر موافق بودند و سخن او را پذیرفتند، سپاسگزار

باشد. کار خود را به خدا واگذارد و به عیب خود توجه نکند. (مصباح الشریعه، باب 64).

امام محمد غزالی در درجات و مراتب ثواب می گوید: درجه سوم، نهی با موعظه و اندرز و ترساندن از خداست و این درباره کسی است که می تواند کاری را انجام دهد و می داند که آن کار بد است و یا درباره کسی است که با

علم به بدی عملی، اصرار بر انجام آن دارد مانند کسی که بر باده گساری، یا ستمگری و یا بر غیبت مسلمانان و نظایر آنها مداومت دارد که لازم است موعظه شود و او را از عذاب خدا بترسانند و اخباری را که متضمن وعده عذاب است بر او بخوانند و سرگذشت پیشینیان و عادت پرهیزگاران را برای او بگویند و تمام اینها از روی دلسوزی و مهربانی باشد، نه با درشتی و خشم، بلکه از سر دلسوزی بر او بنگرند. و گناهکاری او را یک مصیبت برای خودش ببینند؛ زیرا مسلمانان مانند یک تن هستند. در این جا آفت بزرگی وجود دارد که شایسته مراقبت است چون یک مهلکه است و آن این است که شخص عالم، در وقت معرفی خود را به سبب داشتن علم، عزیز و دیگران را به سبب نادانی، خوار و ذلیل می بیند و چه بسا در معرفی خود به دلیل شرافت علم و دانش به خودنمایی و ابراز برتری بپردازد و به سبب پستی نادانی، طرف مقابل را خوار بشمارد که اگر انگیزه این باشد، این عمل زشت تر از عمل بدی است که بد به آن اعتراض می کند و مثل چنین کسی، مثل آن کسی است که دیگری را از آتش نجات می دهد و خود در آتش می سوزد که نشان نهایت نادانی و لغزشی بزرگ و غائله ای هولناک است و این از فریب شیطان ناشی می شود که هر آدمی ممکن است به ریسمان او بیاویزد جز کسی که خداوند او را به عیبهای خودش آشنا سازد و چشم بصیرتش را به نور هدایت خویش بگشاید؛ زیرا تحقق دو نوع سلطه بر دیگران موجب حصول لذت بزرگی برای نفس آدمی است.

یکی تسلط بر عموم به وسیله علم و دیگری تسلط بر عموم به واسطه قدرت بازگشت هر دو اینها به خودنمایی و جاه طلبی است و این خود خواسته باطنی است که آدمی را به شرک خفی می کشاند. البته این حالت دارای ملاک و معیاری است که لازم است شخص مراقب، بدان وسیله خودش را بیازماید. و آن معیار این است که بازداشتن خویشتن از گناه و خودداری از مراقبت از دیگران نزد وی محبوب تر است یا پرداختن به مراقبت دیگران؛ پس اگر مراقبت نفس بر او دشوار و سنگین است در حالی که دوست دارد، به جای مراقبت از دیگران به خود بسنده کند و مراقبت نفس نماید، در این صورت انگیزه اش همان دین است و اگر پند گرفتن آن گنهکار از موعظه وی و باز ایستادنش به سبب نهی وی، محبوب تر است از پند گرفتن او از پند دیگران، بدانند که پیرو هوای نفس است و از این راه مراقبت می خواهد جاه طلبی خودش را ابراز بدارد! پس باید از خدا بترسد و نخست مراقبت نس کند، در این حال است که به او می گوید: به حضرت عیسی علیه السلام گفته شد، ای پسر مریم نخست خود را موعظه کن اگر پند گرفتی، دیگران را موعظه کن، اگر نه از من شرم کن.

به داوود طائی گفتند: آیا دیده ای، مردی بر این امیران وارد شود و آنها را امر به معروف و نهی از منکر کند؟ گفت: من بر چنین کسی بیم تازیانه دارم. گفتند: اگر تاب تازیانه را داشته باشد؟ گفت: بر او بیم شمشیر دارم، گفتند: اگر بتواند آن را تحمل کند؟ گفت: از بیماری مزمن خود خواهی بر او بیم دارم. و من می گویم: بلکه به دلیل سرپیچی اش از دستور خدای سبحان، من بیم آتش دوزخ را برای او دارم؛ زیرا که خدای تعالی فرموده است: ((و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة، (بقره / 195): خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.

مبانی امر به معروف و نهی از منکر

مبانی، زیر ساختها و پایه های بنیادین یک امر است که حکایتگر واقعیت هایی است که وجود یک پدیده را ضروری و منطقی می سازد. به این لحاظ، مبانی از منابع متمایز است، زیرا منابع در ردیفی متأخر از مبانی قرار دارد.

البته ذکر این نکته ضروری است که برخی از مبانی ضرورتاً اختصاص به یک آموزه ندارد و به بیان دیگر می‌توان از مبانی عام و خاص سخن گفت. با وجود این، در این مقاله بدون لحاظ این نکته، برخی از مبانی امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌شود.

الف. مسئولیت اجتماعی انسان

انسان را موجودی مدنی بالطبع توصیف کرده‌اند، زیرا بدون ارتباط با سایر انسان‌ها، امکان بقای حیات او متصور نیست؛ البته این تنها انسان نیست که زندگی اجتماعی دارد، اما تنها موجودی است که با اراده و اختیار و از سر عقل و تدبیر زندگی اجتماعی خویش را سامان می‌بخشد و شکل خاصی را برای آن انتخاب می‌کند. زندگی اجتماعی انسان هر چند برای او ثمرات زیادی در بردارد، اما می‌تواند آسیب‌های فراوانی نیز برای او به همراه داشته باشد، به گونه‌ای که به هلاکت او منتهی شود؛ زیرا شخصیت انسان حاصل تأثیر و تأثیری است که با دیگران دارد، هم‌چنان که دریافت ارتباطات و تعاملات اجتماعی، شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های نیکی است که در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. شقاوت و بدبختی انسان نیز می‌تواند ناشی از عملکرد افرادی باشد که در حوزه تعامل او واقع می‌شوند.

از دیدگاه اسلام، سرنوشت انسان‌ها با یکدیگر گره خورده است؛ جوامعی وجود داشته‌اند که در آن انسان‌ها گرچه خود کارهای نیک انجام می‌داده‌اند ولی چون نسبت به کارهای بد دیگران بی‌اعتنا بوده‌اند، عذاب الهی آن‌ها را نیز در خود فرو برده است و به اصطلاح، تر و خشک را با هم سوزانده است. در متون اسلامی، اخبار و روایات فراوانی مبنی بر این که انسان‌ها تبعات اعمال سوء دیگران را متحمل می‌شوند، وجود دارد؛ زیرا آن‌ها با سکوت خود رفتار آنان را تأیید می‌کنند. در متون دینی برای تفهیم این مطلب از تشبیهات بسیار رسایی استفاده شده است؛ مثلاً پیامبر اکرم (ص) انسان‌های یک جامعه را به مسافران یک کشتی تشبیه می‌کند که سلامت آن‌ها در گرو سلامت کشتی است و هیچ کس نمی‌تواند نسبت به سلامت و ایمنی کشتی بی‌تفاوت بهاند؛ (صحیح بخاری، 1414ق، ج 2: 882).

بر همین اساس است که آموزه‌های اسلامی، عزلت و گوشه نشینی، که اگر نگوییم مصداق بارز، دست کم باید گفت از جمله مصادیق فردگرایی است را ناپسند و غیر قابل قبول و «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» انسان را امری ضروری دانسته‌اند. «سعد بن اشجع» از اصحاب پیامبر (ص) بود که با برداشت‌های ناروا از اسلام، گمان می‌کرد رشد و هدایت انسان در گریز از اجتماع و مسئولیت اجتماعی است؛ وی در مقابل پیامبر (ص) و جمعی از صحابه ایستاد و خدا و رسولش را گواهی گرفت که عزلت و شب‌زنده‌داری پیشه کند، پیامبر (ص) به او فرمود: «کاری انجام نداده‌ای! وقتی با مردم آمیزش نداری چگونه امر به معروف و نهی از منکر خواهی کرد؟»؛ (نوری طبرسی، 1408ق، ج 12: 183).

جامعه‌ای که چنین فرایندی را نپذیرد بسان مجموعه‌ای درهم و مغشوش و بی‌قاعده و تدبیر خواهد بود که سرانجام دچار فروپاشی و هلاکت می‌گردد.

ب. ولایت مؤمنان بر یکدیگر

شکل ویژه مسئولیت اجتماعی که اسلام آن را پذیرفته و برحفظ آن اصرار نموده است بر مبنای ولایت مؤمنین

نسبت به یکدیگر است. این ولایت به حدی است که همه مؤمنان (مسلمانان) را فارغ از منصب و موقعیتشان پوشش می‌دهد، به گونه‌ای که نوعی حق و تکلیف متقابل را نسبت به همه افراد اجتماع به رسمیت می‌شناسد. این ولایت جدا از دیگر ولایت‌هایی است که در شریعت اسلام پذیرفته شده است، نظیر ولایت پدر نسبت به فرزند، ولایت امام (ع) نسبت به مردم و... البته متمایز بودن این ولایت به معنای آن نیست که هیچ نوع ارتباطی با دیگر ولایت‌ها ندارد؛ آن گاه که در مقام عمل این ولایت با ولایت امام (حاکم) تعارض پیدا کند، ولایت امام برتری دارد، هرچند در چنین فرضی دیگر محلی برای ولایت نخستین نیست.

به هر حال، اساسی‌ترین مبنای امر به معروف و نهی از منکر، نوع ولایت خاصی است که شریعت مقدس اسلام بین افراد اجتماع اسلامی به رسمیت شناخته است. تأیید کننده این امر این است که در برخی از متونی که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کنند نخست از ولایت مؤمنین سخن به میان آمده و سپس این فریضه متفرع بر آن آورده شده است. در تعالیم اسلامی، کسانی که اصل دین اسلام را پذیرفته و اصول آن را باور نموده‌اند، «مؤمن» نامیده می‌شوند. خداوند در آیه 71 سوره توبه، امر به معروف و نهی از منکر را برای مؤمنین مطرح می‌نماید. استاد شهید مطهری در توضیح این آیه آورده است که این دو عمل، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، ناشی از علاقه ایمانی است و به همین دلیل این دو جمله (یاأمرن بالمعروف وینهون عن المنکر) بی‌فاصله به دنبال ولای ایمانی مسلمانان آورده شده است؛ (مطهری، 1371، ج 3: 264).

حدود و ثغور (شرایط) امر به معروف و نهی از منکر:

در کتاب‌های فقهی، برای امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی بیان شده است، اما چه بسا در بیشتر موارد نتوان طبقه بندی منسجمی در این زمینه مشاهده نمود. شاید آن چه عبدالقادر عوده در کتاب خویش (عوده، بی‌تا، ج 1: 495) آورده است، منطقی‌تر جلوه کند، گرچه جامع نیست. به نظر می‌رسد با توجه به این که امر به معروف و نهی از منکر از سه رکن: 1. آمر و ناهی؛ 2. مأمور و منهی؛ 3. فرآیند (عمل) تشکیل می‌شود، باید از سه دسته شرایط سخن گفت. این شرایط، در حقیقت، راه‌کارهایی است که شرع مقدس اسلام برای کارآمدتر کردن و ثمربخشی هر چه بیشتر و بهتر این آموزه ارائه کرده است.

الف. شرایط آمر و ناهی

در کلام فقها برای آمر و ناهی، اعم از آن که یک فرد باشد یا گروهی از اجتماع، شرایطی ذکر شده است که البته توافق کلی درباره همه آنها وجود ندارد.

الف: امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجبات است و طبعاً برعهده کسی است که شرایط عامه تکلیف را داشته باشد؛ یعنی به لحاظ شرعی «مکلف» باشد.

ب: پیش از این گفته شد که وجود این فریضه به لحاظ ولایت و مسئولیتی است که مسلمانان نسبت به یکدیگر دارند و از این رو، طبق نصوص شرعی این فریضه بر غیر مسلمانان واجب نیست، زیرا در غیر این صورت، غیر مسلمان ملزم به گفتار و اعتقاد و عمل یک مسلمان می‌شود و این چیزی جز اکراه و اجبار در دین نیست که در تعالیم اسلامی به صراحت نفی شده است. حال جای این پرسش هست که آیا نسبت به برخی امور که در معروف و

منکر بودن آن میان ادیان توافق وجود دارد یا از مسلمانات عقلی است، حکومت اسلامی می‌تواند غیر مسلمان را به عنوان یک شهروند مکلف به امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آن نماید؛ بدون شک پاسخ مثبت است، البته مشروط بر این‌که اولاً فرد شرط نخست را داشته باشد، یعنی در سن مسئولیت کیفری باشد؛ ثانیاً عمل به این قانون به هیچ وجه با معتقدات دینی او تضاد نداشته باشد. در این صورت است که می‌توان همه افراد اجتماع را - به نوعی - در عمل به این آموزه مهم بسیج کرد و زمینه تحقق اصل هشتم قانون اساسی ایران را فراهم نمود.

ج: قدرت نیز یکی از شرایط عامه تکلیف است که با نبودن آن تکلیف نیز ساقط می‌شود. در امر به معروف و نهی از منکر نیز آمر و ناهی باید عملاً قدرت انجام این مهم را داشته باشد. نهایت این که، در فرض عدم قدرت بر انجام هیچ یک از مراتب سه گانه (چهره‌ای، گفتاری و رفتاری)، برخی معتقداند بایستی در قلب خود معروف را نیک دانسته و از منکر بیزار باشد، ولی برخی دیگر معتقداند این امر در راستای امر به معروف و نهی از منکر نیست بلکه از لوازم و تبعات ایمان است که اساساً قابل امر و نهی نیست.

د: برخی از فقیهان معتقداند در امر به معروف و نهی از منکر شرط است که آمر و ناهی عادل باشد و بر انسان فاسق، تکلیفی از این نظر نیست. اینان برای اثبات مدعای خویش به آیاتی از قرآن (2 و 3 سوره صف و 44 سوره بقره) تمسک جسته‌اند و نیز گفته‌اند: «هدایت دیگران فرع بر هدایت یافتن است و مستقیم کردن دیگران فرع بر استقامت است و کسی که عاجز از اصلاح خویش است از اصلاح دیگران عاجزتر است»؛ (عوده، بی تا، ج 1: 499). اما رأی بیشتر فقیهان، جز این است؛ زیرا در غیر این صورت، به طور کلی بایستی این فریضه را کنار گذاشت. سعید بن جبیر در این باره می‌گوید: «اگر لازم باشد تنها انسان بدون اشکال، امر به معروف و نهی از منکر کند، هیچ کس امر به هیچ چیز نخواهد کرد»؛ (همان). نتیجه این که عدالت شرط تأثیرگذاری است نه شرط وجوب.

هـ: برخی، شرط پنجمی را نیز به شرایط آمر و ناهی اضافه کرده‌اند و آن اجازه داشتن از امام یا حاکم است. در این که چنین سخنی به اطلاق خود باطل است تردیدی نیست، زیرا این آموزه از واجبات و فرایض الهی است، ولی نسبت به برخی از مراتب عمل به این آموزه، به ویژه مرتبه یدی، جای تأمل وجود دارد؛ چون سخن از یک وظیفه همگانی است، نه یک وظیفه خاص که از سوی حاکم به افراد محول می‌شود (نظیر آن چه در حسبه گذشت).

به نظر می‌رسد با وجود شرایط دیگری هم چون عدم ترتب مفسده بر امر به معروف و نهی از منکر، که به ویژه در بحث از شرایط ناظر به فرایند امر به معروف خواهد آمد، نیازی به وجود چنین شرطی نباشد.

در پایان باید یاد آور شد که در کلمات فقها منظور از شخص امر و نهی شونده، شخص حقیقی است و نه حقوقی و حتی اگر حاکم نیز از جمله این اشخاص شمرده می‌شود، شخص خود حاکم مد نظر است نه نهاد حکومت، ولی با توجه به مباحث مطرح شده در اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری و مدنی آنها، جای این بحث هست که آیا می‌توان به اعتبار شخص حقوقی، شرایط دیگری در نظر گرفت. به هر حال، با محور قرار دادن شخص حقیقی، شرایط ناظر به مأمور و منهی را بیان می‌کنیم:

ب: شرایط شخص امر یا نهی شونده

آیا شخص امر یا نهی شونده لزوماً باید مسلمان باشد؟ آیا می‌توان - و نیز واجب است - که یک فرد غیر مسلمان را امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ در ابتدا ممکن است پاسخ به چنین سؤالی منفی باشد، چون از سویی امر به

معروف و نهی از منکر بر پایه ولایت مؤمنین بر یکدیگر استوار است، هم چنان که در بحث از مبانی گذشت، و از سوی دیگر، از جمله شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر آن است و بدیهی است نسبت به غیر مسلمان چنین احتمالی کم تر می تواند معنا داشته باشد. و بالاخره امر به معروف و نهی از منکر بر حسب آن چه شریعت در باب معروف یا منکر گفته است معنا می شود و غیر مسلمان را نمی توان به پذیرش چنین تفسیری ملزم کرد.

اما در نقطه مقابل، نکاتی وجود دارد که پذیرش مطلب بالا را مخدوش می سازد؛ زیرا اولاً معروف و منکر در همه موارد آن چیزی نیست که شریعت مقدس اسلام تفسیر کرده باشد؛ بسیاری از مصادیق معروف و منکر اموری است که عقل انسان ها آن را معروف و منکر می شناسد و وجود آن ها را برای جامعه بشری مفید و ضروری یا خطرناک می پندارد. بسیاری از مسایلی که امروزه در اخلاق شهروندی و اجتماعی مطرح است اموری نیست که عقل آدمی از تصدیق آن ها ناتوان باشد؛ اموری هم چون رعایت نظافت و پاکیزگی، حسن هم جواری، رعایت نظم و انضباط و...، حال اگر در حوزه روابط اجتماعی، غیرمسلمانانی یافت شوند که این گونه امور را رعایت نمایند می توان دست روی گذاشت و هیچ رویارویی اجتماعی را نپذیرفت؟

نکته ای که در پایان این بحث لازم است به آن اشاره شود این است که ممکن است پذیرش نهی از منکر نسبت به غیر مسلمانان از باب امر به معروف و نهی از منکر نباشد بلکه از باب لزوم بازداشتن دیگران از اضرار به غیر باشد، که در شرط بعدی در این باره سخن خواهیم گفت.

مکلف بودن امر یا نهی شونده: آیا می توان فرد غیر مکلف را از ارتکاب منکرات بازداشت یا به انجام معروفات امر نمود و آیا این امری واجب است یا خیر. در قسمت بازداشتن از منکرات، قول پاره ای از فقیهان بر وجوب آن می باشد. مثلاً عبدالقادر عوده می نویسد: «تفاوتی ندارد که فاعل منکر مکلف باشد یا غیر مکلف، پس اگر کسی کودک یا دیوانه ای را در حال شراب خواری مشاهده کند، وظیفه دارد شراب او را بریزد و او را از شراب خواری منع کند و هم چنین اگر مجنونی را مشاهده کند که با زن دیوانه ای زنا می کند و یا با حیوانی نزدیکی می کند بر وی واجب است که او را از آن عمل منع نماید»؛ (همان: 501 و 502).

از ظاهر عبارت سیوری (معروف به فاضل مقداد) در کنز العرفان نیز چنین قولی استفاده می شود؛ وی می نویسد: «در کسی که به او امر و نهی می شود شرط نیست مکلف باشد، زیرا هر گاه دانسته شود که غیر مکلف به غیر خود ضرر می زند باید از کار او جلوگیری کرد و هم چنین کودک، از کارهای حرام نهی می شود تا عادت به آن ها نکند»؛ (فاضل مقداد، 1365، ج 1: 408).

ولی پاره ای دیگر از فقیهان وجوب چنین بازداشتنی را نه از باب نهی از منکر که از باب جلوگیری از وقوع ضرری که شارع به وجود آن راضی نیست می دانند، اعم از این که این ضرر به خود فرد باشد یا به دیگران، و این جلوگیری را همانند جلوگیری از حیواناتی می دانند که به مثل خود ضرر می رسانند؛ (نوری طبرسی، 1408 ق، ج 12: 252). حقیقت این است که جلوگیری از ضرر - چه به خود یا دیگری - از جمله اهدافی است که بر نهی از منکر مترتب است و جدا کردن آن از بحث نهی از منکر چندان روشن نیست. البته در این باره، هم چنان که گفته شد، کلمات فقها بیش تر بر عدم وجوب قرار گرفته است و تنها پاره ای از فقیهان که تعداد آن ها به شمار انگشتان یک دست هم

نمی‌رسد از وجوب سخن گفته‌اند، که البته به لحاظ پیامدهای تربیتی آن جای بحث بیش‌تری را می‌طلبد.

اصرار شخص نهی شونده بر ارتکاب گناه: برخی از شرط‌سومی برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر سخن گفته‌اند و آن این که گنهکار و ترک‌کننده واجب، اصرار بر ادامه گناه و منکر داشته باشد. در مورد این اصل دلیل تبعدی (آیات و روایات) وجود ندارد و از این رو هیچ‌کس به روایتی از ائمه تمسک نکرده است. صاحب‌جواهر در مورد این شرط استدلال به «عدم اختلاف»؛ (نجفی، 1362، ج 21: 370) نموده است، ولی این دلالتی بر اجماعی بودن این مسئله ندارد، زیرا همه فقها بر وجوب این شرط اتفاق نظر ندارند و حتی برخی مانند علامه حلی اساساً از این شرط سخنی به میان نیاورده‌اند. بنابراین، در این مسئله باید به حکم عقل مراجعه نمود.

برخی از فقها در این‌باره گفته‌اند: «دلیل ما بر وجوب این شرط، منحصر به «حکم عقل» است، زیرا عقل، حکم به سقوط وجوب امر به معروف و نهی از منکر در صورت عدم اصرار بر گناه می‌کند. بر این اساس که در این صورت، امر و نهی، لغو و بیهوده خواهد بود و با این دلیل عقلی، اطلاق ادله‌ای که دلالت بر وجوب این دو فریضه می‌کند مقید می‌گردد»؛ (نوری، 1375: 163). اما این که چگونه می‌توان دریافت که فرد بر گناه اصرار ندارد بین فقها اتفاق نظر وجود ندارد و پاره‌ای از فقیهان مثل ابن‌ادریس و محقق حلی عدم وجود اماره - و نه بینه - بر این مطلب را کافی دانسته‌اند.

ضمن این که ادله امر به معروف و نهی از منکر مطلق است و وجود چنین شرطی محل تأمل است، به ویژه آن که حتی کسانی که قائل به وجود چنین شرطی شده‌اند چنان معنای موسعی برای آن در نظر گرفته‌اند که با نبود آن چندان تفاوتی ندارد، زیرا «استمرار گناه» را در مقابل «امتناع» قصد و استمرار به تصمیم بر ارتکاب گناه دانسته و گفته‌اند پس اگر کسی شراب بخورد و بعد بتوان فهمید که او قصد دارد فقط یک بار دیگر بخورد واجب است او را نهی از منکر کرد.

ج. شرایط مربوط به فرایند (امر به معروف و نهی از منکر)

سومین دسته از شرایط، شرایطی است که به خود امر به معروف و نهی از منکر، و نه امر و مأمور یا ناهی و منهی، مربوط می‌شود. عبدالقادر عوده در این‌باره می‌نویسد: «برای امر به معروف شرایط و زمان‌های خاصی وجود ندارد، زیرا امر به معروف نصیحت، هدایت و تعلیم است و تمام این‌ها در هر وقت و هر مناسبتی جایز است اما نهی از منکر و تغییر منکر شرایط خاصی دارد که برای جواز نهی از منکر یا تغییر منکر، تحقق آن‌ها واجب است»؛ (همان: 501).

اما این تفصیل در کلام فقها دیده نمی‌شود و آن‌ها شرایط را به طور کلی مطرح کرده‌اند؛ هر چند شرایطی که آن‌ها بیان نموده‌اند، با آنچه عبدالقادر عوده گفته است یکی نیست. به نظر می‌رسد حتی امر به معروف نیز آن چنان که عوده تصور کرده است مطلق نباشد و برای آن نیز شرایطی وجود داشته باشد، مثلاً «احتمال تأثیر» از جمله شرایطی است که هم در باب امر به معروف مطرح است و هم در باب نهی از منکر، یا مثلاً «تمسک به کم‌ترین وسیله» که عبدالقادر عوده در باب رفع از منکر بیان کرده است در باب امر به معروف نیز مطرح می‌باشد، زیرا در باب امر به معروف نیز رعایت مراتبی که ذکر آن گذشت ضرورت دارد. یا مثلاً «رعایت موازین و حدود الهی» در هر دو بحث

امر به معروف و نهی از منکر جاری است. از این رو بهتر است و بلکه باید شرایط را به طور عام مطرح کرد و نه صرفاً ناظر به منکر، گرچه در باب منکر برخی شرایط خاص نیز می تواند مطرح شود که در پایان به آن اشاره می کنیم.

احتمال تأثیر: از جمله شرایط ناظر به امر به معروف و نهی از منکر آن است که باید احتمال داده شود که امر و نهی به نوعی مؤثر واقع شود. در بین فقهای شیعی هیچ گونه خلافی در این مورد وجود ندارد و علامه در کتاب «متهی» فرموده است: «این مسئله اجماعی است، بلکه به قدری روشن است که نیاز به استدلال ندارد». در این زمینه به روایات متعددی تمسک شده است که البته برخی از نظر سند و برخی از نظر دلالت مخدوش است. مثلاً به روایتی از «داوود رقی» تمسک شده است که گفته: «امام صادق (ع) فرمود: سزاوار نیست برای مؤمن که خود را ذلیل و خوار کند. شخصی پرسید: چگونه؟ امام (ع) فرمود: در مسئله ای دخالت کند که قدرت انجام آن را ندارد؛ (حر عاملی، بی تا، ج 12: 425). یا مثلاً به روایت «یحیی الطویل» تمسک شده است که گفته: «امام صادق (ع) فرمود: جز این نیست که شخص با ایمانی، مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد که در او اثربخش باشد یا شخص نادانی که در پرتو آن دانا می شود، ولی صاحب شمشیر و تازیانه (حاکم ظالم) امر به معروف و نهی از منکر نمی شود؛» (همان: 400). ولی روشن است که سند این روایت به دلیل وجود یحیی الطویل ضعیف است.

آن چه دلیل بر این شرط است، حکم عقل است. اما سخن در محدوده و گستره آن است. تأثیری که در مورد امر به معروف و نهی از منکر لازم است، عمومیت دارد؛ یعنی هم شامل شخص به جا آورنده بدی ها و ترک کننده خوبی ها می شود و هم شامل افراد دیگر جامعه می شود. بنابراین صرف احتمال تأثیر کفایت می کند و نیازی نیست که انسان ظن به تأثیر داشته باشد. البته جمعی از علما مانند محقق حلی در کتاب شرایع گفته اند: «اگر ظن «گمان قوی» پیدا کرد که امر و نهی او اثر ندارد، این دو فریضه واجب نیست؛» (محقق حلی، 1403ق، ج 1: 342). ولی آن چه از سیره ائمه معصومین و رفتار مدافعین دین فهمیده می شود این است که بایستی حتی در فرض ظن به عدم تأثیر و با اندک احتمال عقلایی بر تأثیر، به امر به معروف و نهی از منکر اقدام کرد.

البته اگر احتمال عدم تأثیر به قدری زیاد باشد که انسان یقین به لغویت امر به معروف و نهی از منکر پیدا کند جایی برای انجام آن نخواهد بود.

تمسک به کم ترین وسیله (مرتبه): دومین شرط در امر به معروف و نهی از منکر این است که امر و نهی باید به کم ترین وسیله (مرتبه) ممکن انجام گیرد، زیرا اصل بر «آزادی» افراد است و در محدود نمودن آزادی افراد باید به کم ترین وسیله اکتفا شود. این نکته هم در امر به معروف و نهی از منکر جاری است؛ زیرا حرمت ایذای مؤمن اقتضا می کند در هر دو فرض، با وجود امکان تمسک به مرتبه پایین تر، مرتبه بالاتر کنار گذاشته شود.

ضمن این که مقصود از امر و نهی، حل مسئله است نه مسئله سازی و شخص امر و نهی شونده نیز حقوقی دارد که باید به آن احترام گذاشت. از این رو باید منطق «الایسر فالایسر» را رعایت کرد. امام خمینی (ره) حتی با احتمال به هدف رسیدن در مرتبه ای، تجاوز از آن را حرام می شمارد؛ (امام خمینی، 1376، ج 1: 476).

رعایت حدود و موازین شرعی: رعایت حدود و موازین شرعی سومین شرطی است که باید در امر به معروف و نهی از منکر اعمال گردد. این شرط انجام امر به معروف و نهی از منکر را به هر طریق و وسیله ای ممنوع می سازد.

از این رو اگر نهی از منکر متوقف بر تجسس و کاوش در امور شخصی مردم باشد حرام است، زیرا خداوند از تجسس در امور دیگران نهی فرموده است. مشروعیت راه‌ها و روش‌ها از جمله اموری است که در سیاست جنایی اسلام به شدت بر آن تأکید می‌شود. غزالی درباره عدم جواز تجسس برای نهی از منکر می‌نویسد: «شرط سوم آن که معصیت ظاهر بود بی تجسس محتسب. اما تجسس نشاید و هر که در خانه شود و در بندد، نشاید که بی دستوری وی در شدن و طلب کردن تا چه می‌کند و نشاید از در و بام نغوشه کند تا آواز رود بشنود و حسب کند، بلکه هر چه خدای تعالی بپوشاند پوشیده باید داشت. و اگر فاسقی چیزی زیر دامن دارد و شاید بود که خمر باشد، نشاید که گوید: فرا نمای تا چیست؟ که این تجسس بود»؛ (غزالی، 1374، ج 1: 506 و 507).

نقش دانشگاهها در برقراری و ترویج فرهنگ امر به معرف و نهی از منکر:

- توجیه و آموزش دانشجویان، اساتید و کارکنان.
- تقویت باورها و اعتقادات دینی و تأیید و تشویق دانشجویان.
- استفاده از شیوه‌های تبلیغی مؤثر
- معرفی الگوهای اسلامی و تشویق و تجلیل از دانشجویان و اساتید ممتاز در احیای این فریضه.
- برگزاری نشستهای علمی در مراکز آموزشی با هدف تقویت روحیه اعتماد به نفس و عزت نفس در بین پسران و دختران جوان.
- جلوگیری از تکالیف تحمیلی توأم با خشونت و بدرفتاری در مراکز آموزشی
- آموزش کیفیت و شیوه‌های صحیح نهادینه کردن ارزشهای الهی در خانواده، در محیط کار و آموزش در مراکز تفریح و ورزش.
- پرهیز از تحمیل عقاید و ارزشها بدون استدلال و رعایت شخصیت و حقوق الهی جوانان در جهت فراهم آوردن فضایی علمی و صمیمی
- آموزش و توجیه متخصصان و فعالان در عرصه‌ی تهیه‌ی برنامه‌های کلان توسعه اجتماعی ضرورت وجود یک برنامه‌ی جامع فرهنگی و...

راهکارهای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در دانشگاهها:

1. اعتلای سطح بینش اجتماعی دانشجویان:

آگاهی بخشی و بالا بردن سطح معرفت عمومی جامعه درخصوص اهمیت و اجرای این فریضه‌ی الهی، یکی از عوامل مؤثر در تحقق این دستور الهی و از جایگاه والایی برخوردار است. چنانچه خداوند اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از صفات مردان و زنان مؤمن و نیز موجب نزول رحمت خداوند و عین اطاعت حق می‌داند. (سوره ی توبه، آیه ی 71) و نیز می‌فرماید: ... مردم باید امر به معروف و نهی از منکر کنند... و آمرین به معروف و ناهیان از منکر سعادت‌مند و رستگارند. (سوره ی آل عمران، آیه ی 104) توجه به نیازهای روانی انسان و نیازسنجی جامعه می‌تواند عامل مهمی در جهت، افزایش آگاهی‌های اجتماعی باشد. جامعه بشری با بهره‌گیری از حس

جستجوگری انسان، تمایل به خوبی ها و نیکی ها و فضایل و مسایل اخلاقی، عفت، راستی و صداقت و حسّ خداجویی به عنوان نیازی فطری انسان و در نهایت با تحکیم ارتباط مؤثر با خداوند، می تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.

2. افزایش قدرت وجدان اجتماعی، دانشجویان:

اسلام دارای نظام و قوانین خاصی است تا درستی راه جامعه و مسیر رسیدن به اهداف والای آن را تضمین نماید. اولاً نیروی بازدارنده درون انسان یعنی تقوای الهی می تواند نخستین ضمانت اجرایی باشد... وجدان دینی یا عامل بازدارنده درونی، همواره مراقب انسان است و او را و او را می دارد تا اسلام را جامه ی عمل ببوشاند... ثانیاً قدرت حکومت عادل در جامعه اسلامی دومین ضمانت است زیرا حکومت اسلامی حفظ امنیت داخلی و خارجی را جزو وظایف اساسی خود می داند. ثالثاً نیروی امنیت اجتماعی، ضمانت دیگری است که فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر از آن ناشی می شود و نقش مهمی در اعتلای معنوی جامعه دارد (کورانی، 1371).

3. ایجاد بسترهای اجتماعی مناسب برای الگوپذیری دانشجویان:

ارایه الگو و مسأله نقش پذیری از آنها یکی از مسایل مهم در تربیت انسان است چنان چه قرآن کریم پیامبر اسلام را به عنوان الگویی خوب برای سعادت جامعه معرفی می نماید (دادسرای مبارزه با مواد مخدر، 1376). معرفی الگوهای خوب و شایسته به جوانان، اثبات پوچی الگوهای نامناسب در حوزه اندیشه و رفتار اجتماعی، طرح الگوهای زنده در هدایت نسل جوان و ایجاد روحیه ی احساس مسؤولیت و توجه به معیارهای اخلاقی و معنوی جامعه می تواند نقش ارزنده ای در هدایت جامعه به سوی آرمانهای مطلوب انسانی باشد. به اعتراف روان شناسان تربیتی ویژگی نقش پذیری جوان از جمله امتیازاتی است که می تواند خیلی زود او را تحت تأثیر قرار دهد این حسّ والای تربیتی را امتناع نماید (نهج البلاغه، نامه 31). در متون و روایات اسلامی شواهد بسیاری بر پذیرش حقایق از سوی جوانان و اشتیاق و آمادگی آنان برای قبول ارزشهای الهی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود: امام علی (ع) فرمودند: *وَإِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ*. قلب جوان مانند زمین بکر است، هر بذری که در آن بکاری، قبولش می کند. امام صادق (ع) فرمودند: *عَلَيْكُمْ بِالْأَحْدَاثِ أَسْرَعُ إِلَى خَيْرٍ* بر تو باد که به سوی جوانها بروی زیرا آنها حقایق را زود می پذیرند (روضه ی کافی، صفحه 93).

4. رعایت موازین شرعی و اخلاقی در امر و نهی:

امام راحل در این خصوص می فرماید: باید ایران یک مملکت اسلامی و همه چیزش اسلامی باشد، و روی موازین شرعی باید امر به معروف و نهی از منکر نمود... اشاعه ی فحشاء از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و نقدی از ضوابط شرعیه نماید و فقط باید به وظیفه ی نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند... باب امر به معروف و نهی از منکر از وجهه ی رحمت رحیمیه است، پس امر به معروف و ناهی از لازم است که به قلب خود از رحمت رحیمیه بچشانند و نظرش در امر و نهی، خودنمایی و خودفروشی و تحمیل امر و نهی خود نباشد زیرا که اگر با این نظر مشی کند، منظور از امر به معروف و نهی از منکر که حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد است، حاصل نشود (امام خمینی، 1370).

5. استفاده صحیح از ابزارها و کیفیت بخشی نقش رسانه های تبلیغی:

بهره‌گیری مشروع از ابزار تبلیغ، وظیفه‌ی سنگینی است که به دور رکن مهم در شخصیت مبلغ دینی نیازمند است: اولاً آگاهی و اطلاع وسیعی می‌خواهد. (رکن آگاهی) ثانیاً قدرت و امکان می‌طلبد (رکن قدرت و توانایی و امکان عمل) امکان دست‌یابی به قدرت از نظر فقهای شیعه به عنوان شرط وجود در امر به معروف و نهی از منکر تلقی می‌شود نه شرط وجوب یعنی آن که باید امکان قدرت را به دست آورد (مطهری، 1385). کیفیت بخشی به نقش رسانه‌های ارتباطی و تبلیغی، خود از عوامل مهم در بهره‌گیری از این ابزارهای مؤثر است. بدیهی آن که این گونه وسایل ارتباط جمعی باید به گونه‌ای عمل کنند که زمینه‌های تحریک تمایلات نفسانی در سطوح مختلف مردم بوجود نیاید و برای تحقق این مهم لازم است که هر چه بیشتر رسانه‌های جمعی و ارتباطی تحت کنترل و ارزشیابی مستمر و نظارت‌نخبگان امور تربیتی و مذهبی قرار گیرند تا از ظرفیت‌های موجود این رسانه‌ها حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

6. شیوه‌شناسی و روش‌های تبلیغی مؤثر:

طبیعی است که بهره‌گیری از شیوه‌های انسانی، الهی و مشروع و سازگار با اندیشه‌ی ناب اسلامی می‌تواند تأثیر بسزای در تحقق و گسترش فریضه‌ی الهی امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. چنان که توصیه‌ی پیامبر اکرم و سایر ائمه‌ی اطهار (ع) نیز تأکید بر روش‌های اصولی بود، آنجا که «معاذبن جبل» را برای هدایت و دعوت مردم یمن گسیل می‌داشت فرمودند: یا معاذ یَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ، بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، ای معاذ سهیل بگیر و سخت‌گیری مکن، بشارت ده و نفرت و بیزاری از اسلام ایجاد مکن. همه‌ی امامان شیعه بویژه امام حسین (ع) نیز پیوسته از روشهای مهم تبلیغ در اسلام که عبارت از: تبشیر و تذار و پرهیز از تنفیر است با بهترین شیوه بهره‌می‌گرفتند (مطهری، 1385). سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (ع) در تبلیغ آن‌ها بد که به طور عمده نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی خود را از طریق ابلاغ و آموزش آموزه‌های دینی و تبیین ارزشهای الهی و انسانی و درونی کردن آنها به مرحله‌ی اجرا درآورد تا در جامعه‌ی اسلامی تحولی ساختاری ایجاد شود و در این مسیر همواره در برخورد با ناهنجاریهای اجتماعی، روشی آموزشی و تربیتی، هدایت‌گرانه دل‌سوزانه، آزادمنشانه و مهربانانه داشتند (اکبری زادگان، 1382).

الف: روش برخورد مستقیم و غیرمستقیم: امر به معروف و نهی از منکر شیوه‌شناسی قابل‌تصور در دو نوع شیوه است که: یکی روش مستقیم و دیگری روش غیرمستقیم و غالباً روش غیرمستقیم کارسازتر است، روش مستقیم همان تبلیغ‌ظاهری به وسیله‌ی گفتار و امثال آن می‌باشد، روش غیرمستقیم آن است که عامل باید خود عامل به آن چه معتقد است باشد. چنان چه در حدیث آمده است: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ، مردم را به غیر زبانتان به سوی حق دعوت کنید (وسایل‌الشیعه، ج 11، ص 194). قابل‌توجه است که در برخوردها باید روش و متد رویارویی را شناخت، به خصوص آنکه در مسایل تربیتی و روان‌شناختی باید روان‌شناسی صحیح تربیتی را ملحوظ داشت تا تلاشهای سازنده به نتیجه‌رسد.

ب: روش دادن شخصیت و جلب اعتماد: چنان چه امر و ناهی بتواند ابتدا به شخصیت افراد احترام‌گذار و با ظرافت خاص در جذب آنها مهارت خود را نشان دهد، مردم به سوی او جلب خواهند شد. در همین رابطه

حضرت امیر (ع) می فرماید: قُلُوبُ الرَّجَالِ وَ حَشِيئَةُ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ. دل های مردم وحشی است، پس هرکس که آن قلوب را جذب کند به او روی خواهند آورد (نهج البلاغه: قصارالحکم، حدیث شماره ی 47).

ج: روشهای برخورد متناسب با ظرفیت مخاطب: یعنی با هرکس به اندازه ی فهم و ادراک او سخن گفت نه کمتر و نه بیشتر، چنانچه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرموده اند: اَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ (اصول کافی، ج 1، ص 27، حدیث شماره 15).

د: روش توجه به ظرفیت های روانی: وضعیت مخاطب و توجه به جهت عاطفی او زمینه را برای پذیرش امر و نهی هموار می سازد. چنان چه امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالَهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ (نهج البلاغه، قصارالحکم، حدیث شماره 184). همانا قلوب، برای قبول نمودن نصیحت، روی آوردنی و پشت کردنی دارند، پس در مواقع پذیرش آنها را دریابید، زیرا اگر قلوب نسبت به چیزی اکراه داشته باشند، در آن مورد کور بوده، چیزی را نمی بینند. یا در جای دیگری می فرمایند: اِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ (نهج البلاغه، قصارالحکم، حدیث شماره 304) همان برای قلوب اقبال و ادیاری هست، هرگاه قلب حالت پذیرش دارد، می تواند او را به انجام مستحبات و ادای کند ولی هرگاه حالت آمادگی نداشت فقط به انجام واجبات اکتفا کنید.

خ: روش برخورد مؤدبانه: سخن گفتن و نصیحت کردن چنان چه از دایره ی ادب و نزاکت خارج شود چه بسا اثرات سوئی خواهد داشت ما مأموریم به برخورد صحیح و منطقی، چنان چه خدای کریم می فرماید: ادفع بالتي هي احسن... (سوره ی مؤمنون، آیه ی 96) و یا در آیات 34 سوره ی فصلت، آیه 10 سوره ی مزمل، آیه 63 سوره ی فرقان و 18 و 19 سوره ی نازعات نیز به همین مهم تأکید شده است. بنابراین راهنمایی مخاطب با شیوه ی ذکر جنبه های عقلی یا حکمت و یادآوری جنبه های عاطفی یا موعظه و استفاده از شیوه های مناظره علمی گوناگون می تواند تأثیرات به سزایی داشته باشد (اشتهاردی، 1372).

هـ: روش بهره گیری از شیوه های زیربنایی: قابل توجه است که در مبحث شیوه شناسی در مسأله ی نظارت عمومی جامعه در قالب امر به معروف و نهی از منکر بهره مندی از شیوه های روبنایی و بویژه، زیربنایی بسیار قابل توصیه است. در شیوه های روبنایی کنترل ظاهر جامعه و امر به معروف و نهی از منکر زبانی مورد توجه قرار می گیرد اما در شیوه های زیربنایی توجه به ساختارهای اجتماعی جامعه مدنظر است. بنابراین برنامه ریزی فرهنگی از جهتی و برنامه ریزی های اقتصادی از جهت دیگر می-تواند زمینه های مناسبی را برای تحقق اهداف امر و نهی به وجود آورد. یکی: تربیت خانوادگی و تربیت صحیح فرزندان دوم: رعایت معیارهای جاذبه و دافعه یا جذب و دفع صحیح، عقلانی و مشروع سوم: کنترل غریزه جنسی با ازدواج (همان: صفحات 266 تا 279).

و: شیوه ی تشویق و اهدای جایزه: در جذب مخاطبین نوجوان به خصوص این شیوه بسیار کار گشا و سازنده است. به عنوان مثال به خاطر ای از زندگانی شهید بزرگوار مرحوم آیه الله سعیدی اشاره می کنیم: گفته شده است که وی در پایگاه بسیج موسی بن جعفر (ع) جوانان و نوجوانان را برای امر به معروف و نهی از منکر بسیج می کرد.

برنامه‌ی او در این امر الهی به این صورت بود که هر نوجوان و جوان در طول روز و یا هفته، مواردی را که به امر به معروف و نهی از منکر می پرداخت، بر صفحه‌ی کاغذ می نوشت و به نزد مرحوم سعیدی می برد تا ضمن رهنمودهای لازم، گزارش کار خود را نیز تقدیم او نماید... آن بزرگوار در بسیاری از موارد ضمن تقدیر از این نوجوانان و جوانان به آنان جایزه می داد و تکریم می نمود.

7. اصلاح ساختارها و راه کارهای ایجابی و سلبی:

دگرگون سازی و اصلاح ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه براساس آموزه های اسلامی می تواند از اساسی ترین راه کارها تحقق امر و نهی الهی به حساب آید. فقهای بزرگ اسلام معتقدند که در تحقق این فریضه ی الهی، آحاد مردم موظفند که از جایگاه قدرت جلوی زشتی ها را بگیرند. لکن آن بخش های حساس اجرای این فرمان الهی مانند ضرب و جرح به دست هیأت حاکمه است و بخش های اعتراض آمیز آمرانه ی آن به عهده عزم ملی است... و نیز این فریضه با حدّ و تعذیر فرق جوهری دارد، در امر به معروف به انجام کار فرمان می دهند و در نهی از منکر، جلوی کار زشت را می گیرند و به عامل می گویند: این کار خوب را انجام بده یا فلان کار بد را نکن، ولی در حدّ و تعذیر، شخصی بزهکار را تنبیه می کنند که چرا فلان کار قبیح را مرتکب شدی؟ از این رو چنین کاری به عهده ی مسئولان قضایی شرعی است، برخلاف امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه ی همگان است... لذا این کار یک عزم ملی می طلبد (جوادی آملی، 1381).

8. شیوه بازسازی روانی (امید دادن)

شیوه کنایی (از باب به در بگو دیوار بشنود): قرآن به حضرت عیسی علیه السلام می گوید: «آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را خدا بدانند؟» در اینجا دوگانه پرستی نهی شده است اما در قالبی که مخاطب در واقع دیگران هستند.

9. شیوه ایجاد محبت:

یعنی ابتدا لطف و محبت، سپس امر و نهی: در روایت آمده است که مردی شامی به امام حسن مجتبی علیه السلام جسارت کرد، حضرت او را به منزل برد و چنان مورد تفقد قرار داد که او از حرف های خود شرمند شد.

10. مختصر گفتن:

در حدیث می خوانیم: «اذا وعظت فاوجز» یعنی هر گاه کسی را موعظه می کنی خلاصه بگو.

11. مخفیانه بودن:

در حدیث می خوانیم: «هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته است ولی هر کس او را آشکارا موعظه کند، شرمند اش کرده است.» (بحار الانوار، ج 75، ص 374).

12. استمداد از وجدان:

شخصی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: من فردی زنا کارم حضرت فرمود: آیا حضری کسی با ناموس تو این کار را بکند گفت: نه پیامبر فرمود: پس تو نیز این کار را نکن.

13. در صورت امکان در قالب طنز باشد:

روزی بهلول وارد مجلس هارون شد، چون هارون در مجلس حضور نداشت بهلول جای هارون نشست، خادمان او را از آنجا بلند کردند و کتک زدند. همین که هارون وارد مجلس شد، به او گفت: من چند دقیقه جای تو نشستم، کتک خوردم، وای به حال تو که عمری در جای اهل بیت پیامبر نشسته‌ای. او با این طنز به هارون گفت: راه تو باطل و حکومت تو غصبی است.

منابع:

❖ قرآن

❖ نهج البلاغه

- 1- ابویی مهریزی، حسین، نقش امر به معروف و نهی از منکر در سلامت محیط، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ششم، زمستان، 1386.
- 2- اشتهااردی، عبدوس، فرازهایی برجسته از سیره امامان شیعه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1372، ص 279
- 3- اکبری زادگان، نوروز: عاشورا خروش بیداری، انتشارات شهید فهمیده، 1382، ص 63
- 4- امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1376، ج 1.
- 5- امام خمینی، سید روح الله، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، 1370، ص 273
- 6- تفتازانی، شرح المقاصد، ج 2
- 7- جوادی آملی، آیه الله، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، نشر اسراء، 1381، ص 111.
- 8- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج 11.
- 9- حلّی، جعفر بن حسن (محقق حلّی)، شرایع الاسلام، بیروت، دارالاضواء، 1403 ق، ج 1.
- 10- دادسرای مبارزه با مواد مخدر و منکرات: شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، 1376، ص 202
- 11- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، 1404 ق.
- 12- رضایی راد، عبدالحسین و محمد تقی قبولی درخشان، آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر با نظر به تجارب تاریخی، مطالعات اسلامی، شماره 69، پاییز، 1384.
- 13- صحیح البخاری، تصحیح مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن الکثیر، 1414 ق، ج 2.
- 14- طالبان، محمدرضا، مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1376.

- 15- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج 2.
- 16- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا، ج 1.
- 17- غزالی، ابوحامد، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374، ج 1.
- 18- فاضل مقداد، النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، کتابفروشی علامه، 1368، ج 1.
- 19- کورانی، علی، امر به معروف و نهی از منکر، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1371، ص 5 و 6.
- 20- مجلسی، مولی محمد باقر (علامه مجلسی)، بحار الانوار، تهران، انتشارات کتابچی، 1374، ج 52.
- 21- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا، 1371، ج 3.
- 22- مطهری، استاد شهید مرتضی، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج 1، 1385، ص 190-254.
- 23- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1362، ج 21.
- 24- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، 1408 ق، ج 12.
- 25- نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1375.

پی نوشت ها

- 1- صحیفه نور، ج 1، ص 16 - 21
- 2- همان، ج 7، ص 81
- 3- همان، ج 7، ص 81 تا 84
- 4- همان، ج 1، ص 86 تا 100
- 5- همان، ج 14، ص 278 تا ص 282